**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه260 – 27/ 09/ 1398 وجود قید «فی الاسلام» /متن صحیح حدیث لاضرر /قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

در جلسات گذشته، نقل های قاعده لا ضرر بیان و بررسی شد. در این جلسه، بحث از متن صحیح قاعده آغاز شده و اولین بحث، وجود قید فی الاسلام در متن حدیث لا ضرر است. استاد دام ظله کلام مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی، مرحوم امام و آیت الله سیستانی را در این باره نقل می کنند.

## وجود قید «فی الاسلام» در متن حدیث لا ضرر

بحث در متن صحیح لا ضرر و لا ضرار است. یکی از مباحث، وجود قید «فی الاسلام» در متن صحیح می باشد.

### کلام مرحوم شیخ الشریعه: اطمینان به زائد بودن

مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی، بیان کرده: قید «فی الاسلام» در متن قاعده وجود ندارد. چکیده بیان ایشان این است:

روایت لا ضرر و لا ضرار تنها از طریق ابن عباس و عباده بن صامت در مصادر عام نقل شده و در هیچ یک از این دو نقل، قید «فی الاسلام» وجود ندارد. تنها ابن اثیر در نهایه روایت را همراه با «فی الاسلام» نقل کرده که منبع آن روشن نیست. در نتیجه، انحصار روایت به نقل ابن اثیر، سبب حصول اطمینان به زیاد بودن «فی الاسلام» شده و داخل در بحث دوران امر بین زیاده و نقیصه نخواهد بود. دوران امر بین زیاده و نقیصه در فرض احتمال صحت زیاده و احتمال صحت نقیصه وجود داشته و در جایی که اطمینان به زائد بودن حاصل باشد، موضوعی برای دوران امر بین زیاده و نقیصه، باقی نمی ماند.[[1]](#footnote-1)

### کلام مرحوم امام: احتمال تصحیف در نقل فقیه

مرحوم امام بحث مرحوم شیخ الشریعه را همراه با مکمّلی بیان کرده است. به این بیان که: مرحوم شیخ الشریعه توجه به ورود قید «فی الاسلام» در نقل فقیه نداشته است، در حالی که باید کلام شیخ صدوق را به نحوی توجیه کرد. مرحوم امام در ادامه می فرمایند: قید «فی الاسلام» در سه منبع وارد شده: مرسله صدوق، تذکره علامه و مرسله ابن اثیر. از بین این سه نقل، بعید نیست علامه از صدوق اخذ کرده باشد. در کلام صدوق نیز احتمال تصحیف وجود دارد. مرحوم صدوق در فقیه می نویسد: مَعَ قَوْلِ النَّبِيِّ ص: الْإِسْلَامُ يَزِيدُ وَ لَا يَنْقُصُ . وَ مَعَ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. لَا ضَرَرَ وَ لَا إِضْرَارَ فِي الْإِسْلَامِ. فَالْإِسْلَامُ يَزِيدُ الْمُسْلِمَ خَيْراً وَ لَا يَزِيدُهُ شَرّاً.[[2]](#footnote-2) در این عبارت ممکن است، «فالاسلام» ابتدا توسط یکی از ناسخان، تکرار شده بوده و توسط ناسخ بعدی، «فالاسلام» اول به «فی الاسلام» تبدیل شده باشد.[[3]](#footnote-3)

### کلام آقای سیستانی

آقای سیستانی چند نکته را بیان کرده و به تفصیل بحث کرده اند که در اینجا بیشتر به نکات روشی ایشان تأکید می شود.

#### نکته اول: راویان متعدّد لا ضرر در بین عامه

اولین نکته ایشان این است: کلام مرحوم شیخ الشریعه در انحصار روای حدیث در ابن عباس و عباده بن صامت بین عامه، صحیح نبوده و روایت لا ضرر، راویان متعدّدی دارد که ایشان در ادامه نام راویان را ذکر کرده است.[[4]](#footnote-4)

نکته روشی موجود در اینجا این است: مرحوم شیخ الشریعه مدّعی تتبّع تام بوده و ادعا دارد، نقل روایت لا ضرر، منحصر در ابن عباس و عباده بن صامت است. اما با بیان آقای سیستانی روشن می شود، تتبّع مرحوم شیخ الشریعه تام نبوده است. انصافا تتبّع آقای سیستانی در این بحث که پیش از تولید نرم افزارهای رایانه ای بوده، خیره کننده است. حتی پس از فحص در نرم افزارها نیز موارد اضافه شده، بسیار محدود است و صرف همین تتبّع گسترده در بحث، ارزشمند است.

#### نکته دوم: منبع یابی مرسله ابن اثیر

دومین نکته ایشان این است: مرحوم شیخ الشریعه بیان می کند، منبع ابن اثیر در نقل روایت لا ضرر با قید فی الاسلام، روشن نیست. آقای سیستانی بیان می کند: با مطالعه مقدمه ابن اثیر روشن می شود، اصل متن ابن اثیر از دو منبع بوده و اضافاتی را خود ابن اثیر اضافه کرده است. یکی از منابع ابن اثیر، کتاب ابی عبید أحمد بن محمد الهروي است و لا ضرر از آن منبع اخذ شده است.

نکته روشی مهم و جالب این سخن این است که برای استفاده از کتب، باید کتب را خوب شناخت. تا انسان مثلا نهایه ابن اثیر و لسان العرب را خوب نشناسد، نمی تواند به خوبی از آن استفاده کند.

یکی از نکات مهم در شناخت کتاب ها، فهم کیفیت ارتباط آنها به کتب قبل است. مثل آنکه لسان العرب جمع آوری از کتب قبل بوده و در غالب موارد، نکته خاصی اضافه نشده است. همین نکته، در ارزیابی مطالب یک کتاب نیز اثرگذار است.

نکته دیگر برای شناخت کتاب، مطالعه دقیق مقدمه کتاب است. مثل کتاب جامع الرواه که روش خاصی در تنظیم اسناد دارد که در مقدمه به آن اشاره شده و متأسفانه در دو چاپ موجود از جامع الرواه که به خصوص در چاپ اخیر، زحمت زیادی کشیده شده، مقدمه کتاب و روش آن، دقت نشده است. انسان باید با دید روشن یابی و کشف سبک و روش مؤلف، مقدمه را مطالعه کند که تأثیر این دید با مطالعه معمولی، بسیار تفاوت دارد.

#### نکته سوم: کثرت منابع حدیث با قید فی الاسلام

سومین نکته ایشان این است که مصدر زیاده لا ضرر، منحصر به نهایه ابن اثیر نیست. ایشان در ادامه، منابع حدیث لا ضرر همراه با قید فی الاسلام را ارائه داده است. ایشان برای کتب حدیثی عامه، سه منبع ذکر کرده و در کتب حدیثی شیعه دو منبع فقیه و عوالی اللئالی را ذکر کرده که عوالی اللئالی از برخی از مصنفات شهید از ابی سعید الخدری روایت را نقل کرده است. در کتب فقهی عامه در بدائع الصنائع، مبسوط سرخسی، شرح خراج برخی از حنفیه متأخر، وارد شده و در کتب فقهی شیعه در خلاف و تذکره آمده است. در برخی از کتب لغت نیز روایت با قید فی الاسلام نقل شده است.

##### لزوم ارزش گذاری منابع

به نظر می رسد، جمع آوری منابع به این سبک در کنار هم مفید نبوده و منابع باید ارزش گذاری شوند.

اول: ارزش منابع حدیثی با منابع غیر حدیثی در نقل روایات، تفاوت داشته و نوعا منابع غیر حدیثی، ارزش پژوهشی خاصی نداشته و غالبا از منابع حدیثی اخذ شده و استقلال ندارند.

دوم: منابع قدیمی با منابع متأخر باید تفکیک شود زیرا احتمال اخذ منابع متأخر از منبعی غیر از منابع اولیه که در اختیار نیست، به حدی از درجه ضعف است که قابل اعتنا نیست. مگر با نقل منابع متأخر به دنبال اثبات اتحاد نسخ باشیم. مثل آنکه برای اثبات وحدت نسخ کافی، نقل وافی و وسائل از کافی نیز ضمیمه می شود. متأسفانه برخی تمام نقل ها را در کنار قرار می دهند که تصوّر می شود، این مطلب چندین منبع دارد در حالی که بازگشت تمام این نقل ها به یک یا چند نقل محدود است. به همین دلیل، حتی مواردی که منابع متأخر به صراحت از منابع اولیه نقل نکرده اند، حمل بر نقل از منابع اولیه موجود می شود. البته در صورتی که به طور طبیعی این منابع، از منابع موجود نقل کرده و از منابع مفقود نقل نکنند.

###### منبع شناسی کتاب خلاف و مبسوط

باید دانست: غالب کتب فقهی شیعه از کتب فقهی قبلی نقل کرده اند. مثل آنکه نوعا مطالب خلاف و مبسوط از منابع قبلی و غالبا از کتب شافعیه اخذ شده است. به حدّی شباهت مبسوط و خلاف در چارچوب به کتب شافعی زیاد است، که سُبکی در طبقات الشافعیه، تصور کرده شیخ طوسی شافعی است. هر یک از فقه شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی در تنطیم مباحث و تقدیم و تأخیر آنها، سبک خاصی دارند و مرحوم شیخ طوسی از سبک شافعی در تنظیم مباحث خلاف و مبسوط، تبعیت کرده است.

یکی از مطالب مهم در این بحث، آدرس های مصرّح است که می توان به واسطه آنها، سایر مواردی که آدرس داده نشده را منبع یابی کرد. مرحوم شیخ هر چند در مقدمه به این مطلب تصریح کرده که کلمات عامه را نقل کرده و اگر نظر امامیه بر خلاف آن باشد، تغییر داده، اما اشاره ای به منبع بودن کتب شافعی نکرده است. علت اصلی تبعیت شیخ طوسی از کتاب شافعی این است که مرحوم شیخ طوسی در خراسان بزرگ شده و خراسان جایگاه اصلی شافعی بوده است. حتی بعید نیست شیخ طوسی نزد برخی از علمای شافعی نیز درس خوانده باشد. از سویی دیگر، شافعی از نظر علمی بالاتر از سایر فقهای عامه بوده و به علت دوری بیشتر فقه شافعی از قیاس و استحسان، بیشتر می توان از آنها استفاده کرد. مطابق برخی از تحقیقات، مبسوط برگرفته از برخی از شروح کتاب الام شافعی است.

خلاصه آنکه، مرحوم شیخ طوسی در چارچوب کتب شافعی، با نگاه به مطالب آنان، هر مطلبی را که قبول داشته، نقل کرده و به هر مطلبی که اشکال داشته آن را تغییر داده است.

###### استقلال مبانی کلامی شیعه از معتزله

از نظر کلامی، شیعه متهم بوده که کلام آنها از معتزله اخذ شده است. مرحوم شیخ مفید برای دفع این اتهام، کتبی را از جمله اوائل المقالات نگاشته است. اصل اوائل المقالات برای بیان تفاوت بین دیدگاه های شیعه و معتزله است هر چند به دیدگاه سایر فرق نیز اشاره شده است. مرحوم شیخ مفید کتاب بسیار مهمی دارد که نام آن در فهرست کتب شیخ مفید وارد شده اما اصل کتاب در دسترس نیست. به این نام: وفاق البغدادیین من المعتزله لما روی عن الائمه ع. معتزله به دو گروه معتزله بغدادی و معتزله بصری تقسیم می شدند. شیخ مفید به معتزله بغدادی توجه داشته و بیان می کند: علت تشابه دیدگاه های امامیه با دیدگاه های معتزله بغدادی این است که هر دو از منبع واحد روایات اهل بیت ع اعتقادات خود را اخذ کرده اند.

مارتین مکدرموت در کتاب اندیشه های کلامی شیخ مفید، اندیشه های کلامی شیخ مفید را برگرفته از معتزله دانسته است. مارتین مکدرموت با وجود تلاش زیاد بر روی آثار شیخ مفید و مقدمه خوبی که بر کتاب خود نگاشته، به این نکته که در آثار شیخ مفید نیز وجود دارد، توجه نکرده است. نگاشتن کتاب وفاق البغدادیین من المعتزله لما روی عن الائمه ع، توسط شیخ مفید به هدف پاسخ به این شبهه بوده که اعتقادات شیعه از معتزله اخذ شده است. شیخ مفید می فرماید: معتزله دیدگاه های کلامی خود را از ائمه ما اخذ کرده اند و ما نیز دیدگاه ها را از ائمه گرفته ایم، پس وجود مشابهت بین دیدگاه های شیعه و دیدگاه های معتزله، امری طبیعی و عادی است.

خلاصه آنکه، هر میزان سبک کتب حدیثی و فقهی و هم چنین رابطه بین آنها، بیشتر شناخته شود، بهتر می توان در مباحث تتبّعی نتیجه گیری کرد. انصافا آقای سیستانی از لحاظ سعی در شناخت کتب، استثنایی بوده و این مقدار آگاهی نسبت به کتب مختلف، در افراد دیگر مشاهده نشده است. البته بهتر بود، این منابع تفکیک شده و تکیه بر منابع حدیثی اولیه قرار داده می شد. در بین منابعی که ایشان نقل کرده، تنها تهذیب اللغه ازهری نسبتا قدیمی بوده و ازهری در قرن چهارم می زیسته است و اساس البلاغه زمخشری و لسان العرب ارزش تحقیقی ندارند. کتب فقهی نیز غالبا ارزش پژوهشی ندارند. هر چند عوالی اللئالی از برخی از مصنفات شهید از ابی سعید الخدری، روایت لا ضرر و لا ضرار را همراه با قید فی الاسلام نقل کرده، اما در نقل های موجود در کتب حدیثی عامه از ابو سعید خدری، لا ضرر بدون قید فی الاسلام نقل شده است. به همین دلیل، این نقل معتبر نیست و یا عوالی اللئالی در نقل اشتباه کرده یا شهید اول در نقل از ابو سعید الخدری اشتباه کرده و نمی توان ثابت کرد، در متنی که شهید اول از روایت داشته، فی الاسلام وجود داشته است. تنها منابعی که قابل اعتماد است، روایت ابی لباله در مراسیل ابی داود، روایت جابر بن عبد الله در معجم اوسط طبرانی، روایت امام باقر ع در مصنف عبد الرزاق صنعانی،[[5]](#footnote-5) و نقل فقیه است.

### حدیث لا ضرر با قید فی الاسلام در چند منبع دیگر

ما چند مصدر را ضمیمه می کنیم:

دو منبع حدیثی عامه: خراج یحیی بن آدم با تعبیر لا ضرر فی الاسلام، ج 1، ص: 94، تهذیب الآثار طبری البته بدون انتساب به روایت؛ ج 7، ص: 268 به این تعبیر: «کلام عمر للزبیر لا ضرر فی الاسلام و لا اضرار»،

دو کتاب غیر حدیثی قدیمی عامه: لمع در تصوف (قرن چهار هجری) به این تعبیر: «و قول النبی ص لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، کشف الاسرار میبدی؛ ج 1، ص: 623 با تعبیر: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و ج2، ص: 440 با تعبیر: «لا ضرر و اضرار فی الاسلام» اصل کتاب کشف الاسرار میبدی، متعلق به خواجه عبد الله انصاری بوده و میبدی اضافاتی به آن دارد.

منبع حدیثی شیعی: در معنای الاخبار از ابی عبید قاسم بن سلّام ذیل نقل ترجمه برخی از لغات، لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام وارد شده است. ابی عبید قاسم بن سلّام با ابی عبید هروی متفاوت بوده و متقدم بر او و متوفی 222 قمری است. قاسم بن سلّام هم کتاب غریب الحدیث داشته که منبع نهایه ابن اثیر بوده است. مرحوم شیخ مفید در معانی الاخبار به تصریح از قاسم بن سلّام نقل کرده و به احتمال زیاد در فقیه نیز، روایت را از ابی عبید قاسم بن سلّام آورده است.

آقای سیستانی لیست راویان حدیث لا ضرر را بیان کرده که در منابع عامه 8 راوی دارد. هم چنین با توجه به اینکه روایت امام باقر ع از پیامبر اکرم ص از پدران ایشان و امیر مؤمنین ع بوده، راویان این حدیث در منابع عامه 9 راوی خواهد بود.

به نظر می رسد مورد ابی لبابه اشتباه است زیرا این روایت را ابی داود در مراسیل نقل کرده و ابی لبابه راوی نیست بلکه روایت درباره عذق ابی لبابه به صورت مرسل آمده است. به همین دلیل، با احتساب نقل امام باقر ع، بین عامه 8 نقل مسند وجود دارد.

مرحوم امام، می فرمایند: علامه باید از صدوق نقل کرده باشد و کلام شیخ صدوق را توجیه کرده است.

علامه در تذکره معمولا از منابع عامه، مطالب را نقل کرده است. ممکن است با فحص، منبع علامه در عامه روشن شود و بعید نیست علامه از شیخ صدوق اخذ کرده باشد. در آدرسی که پاورقی تذکره از مغنی ابن قدامه نقل کرده، این روایت وجود نداشت.

در جلسه آینده بیشتر در این باره بحث خواهیم کرد.

1. قاعده لا ضرر (لشیخ الشریعه)؛ ص: 12 [↑](#footnote-ref-1)
2. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج4، ص334.](http://lib.eshia.ir/11021/4/334/%DB%8C%D8%B2%DB%8C%D8%AF) [↑](#footnote-ref-2)
3. القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (تهذيب الأصول)؛ ج‌3، ص: 88 [↑](#footnote-ref-3)
4. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 73 [↑](#footnote-ref-4)
5. البته ایشان در چند سطر بالاتر از الجامع الصنعانی نقل کرد و باید دید آیا صنعانی دو کتاب دارد؟ و این روایت در کدام یک از کتاب های اوست؟ [↑](#footnote-ref-5)